خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۵ . ۱۳ ربیع الاول ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۲۲

صدور قرارهایی که محدود کننده آزادی است، به حداقل برسد

رئیس سازمان تعزیرات حکومتی کشور گفت: تضییع حقوق و محدود کردن آزادی‌های مردم درست نیست و باید صدور قرارهایی مثل قرار بازداشت که محدود کننده آزادی است به حداقل برسد. به گزارش مهر، علیرضا جمشیدی در همایش حقوق شهروندی با محوریت حقوق شهروندی و دادرسی عادلانه، اظهار کرد: اگر حقوق بزهکار و بزه دیده تضمین شود، می‌توانیم مدعی اجرای دادرسی منصفانه باشیم.

دانشنامه حقوقی

مجازات افشای اسرار بیماران چیست؟

با توجه به اینکه حفظ اسرار بیماران از جمله حقوق آنان است و در منشور حقوق بیماران نیز در بیشتر کشورها مورد تاکید قرار گرفته است، این موضوع وظیفه پزشکان را در رازداری سنگین‌تر می‌کند.

به گزارش خبرگزاری میزان ، یکی از مهم ترین حقوق بیماران در مراجعه به پزشکان و مراکز درمانی این است که مطمئن باشند اطلاعات مربوط به بیماری آنان مخفی می ماند و رازداری لازم در این زمینه انجام می‌شود؛ این موضوع به حدی اهمیت دارد که در معاهده پزشکی ۱۹۹۸ ژنو جزو حقوق بنیادین بیمار ذکر شده است. بر این اساس، رعایت نشدن این موضوع موجب بی اعتمادی بیماران خواهد شد تا جایی که ممکن است فرد ادامه درمان خود را نادیده بگیرد.

در همین زمینه، دکتر بهنام حبیب‌زاده، حقوقدان به تشریح موضوع رازداری و حفظ حریم خصوصی بیماران پرداخته است. حبیب‌زاده درباره نحوه رازداری پزشکان نسبت به بیماران خود گفت: در سوگندنامه بقراط موضوع حفظ اسرار مورد تاکید قرار گرفته است و پزشکان بر اساس قسمی که می‌خورند، باید به این سوگندنامه وفادار باشند. وی با اشاره به مقررات فعلی در این زمینه افزود: موضوع رازداری در ماده ۴ منشور حقوق بیماران مصوب سال ۱۳۸۰ هم آمده و در آن تاکید شده است، بیمار حق دارد برای حفظ حریم شخصی از محرمانه ماندن پرونده و نتایج معاینات اطمینان داشته باشد؛ البته جز در مواردی که وظایف قانونی پزشک از این موضوع فراتر باشد. این حقوقدان با ضروری دانستن توجه به موضوع اسرار بیماران، تصریح کرد: بی توجهی به حفظ اسرار پزشکی موجب سلب اعتماد بیماران می‌شود؛ به طوری که در موارد حیاتی از جمله در بیماری‌هایی مانند ایدز و هپاتیت موجب می‌شود بیمار در صورت احساس افشا شدن بیماری از مراجعه به پزشک خودداری کند.

■ مسئولیت انتظامی و مدنی پزشکان

این وکیل دادگستری گفت: در مورد افشای اسرار بیماران چند نوع مسئولیت کیفری، انتظامی و مدنی ممکن است برای پزشکان و کادر درمانی وجود داشته باشد. وی با بیان اینکه اولین مسئولیت برای پزشکان، مسئولیت حرفه‌ای و انتظامی است، توضیح داد: طبق ماده ۴ آیین‌نامه انتظامی سازمان نظام پزشکی، افشای اسرار بیماران تخلف است و مطابق ماده ۱۴ این آیین‌نامه، پزشک به صورت کتبی توبیخ می‌شود و در صورت تکرار، محرومیت از ۳ ماه تا یک سال از اشتغال را در پی دارد.

حبیب‌زاده با اشاره به اینکه بعد از مسئولیت انتظامی، موضوع مسئولیت مدنی و جبران خسارت مطرح می‌شود، تصریح کرد: در این نوع مسئولیت، مطابق قانون مسئولیت مدنی، پزشک متخلف باید خسارت ناشی از افشای اسرار بیمار را جبران کند. وی اضافه کرد: بر این اساس، با نظر دادگاه پزشک ممکن است حسب مورد به پرداخت خسارت مالی یا عذرخواهی کتبی، عذرخواهی در جراید یا طرق دیگر اعاده حیثیت محکوم شود.

■ تعقیب کیفری پزشکان متخلف

این حقوقدان، سنگین‌ترین مسئولیت پزشکان را مسئولیت کیفری آنها در قبال عدم رازداری برای بیماران دانست و گفت: بر اساس ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، افشای اسرار بیماران از سوی اطبا، جراحان و ماماها جرم انگاری شده است که در صورت افشای اسرار، فرد یا افراد افشا کننده به ۳ ماه و یک روز تا یک سال حبس یا به جزای نقدی یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال تا ۶۰۰ میلیون ریال محکوم می‌شوند. این حقوقدان ادامه داد: افرادی که از پزشکان شکایت دارند می‌توانند به دادسرای پزشکی ناحیه ۱۹ تهران مراجعه کنند و در شهرستان‌ها نیز دادسراها صلاحیت عام دارند.

■ موارد مجاز برای افشای اسرار

به گفته این وکیل دادگستری، افشای اسرار بیماران به صورت مطلق، جرم نیست و در مواردی پزشک مطابق با قانون، نه تنها مجاز به افشای اسرار است که حتی الزام قانونی برای ارائه اطلاعات دارد.

وی ادامه داد: اگر به دستور مقام قضایی لازم باشد پزشک اطلاعاتی را برای کشف حقیقت در اختیار مرجع قضایی قرار دهد، پزشک موظف است که این اطلاعات را به مرجع قضایی تسلیم کند و این مورد، جزو موارد افشای اسرار محسوب نمی‌شود. این وکیل پایه یک دادگستری تصریح کرد: همچنین در ماده ۱۳ قانون جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار ، مصوب سال ۱۳۲۰ ، آمده است که با توجه به آثار جبران‌ناپذیری که بیماری‌های واگیردار بر جامعه دارد، ابتلا به این بیماری‌ها برای حفظ سلامتی افراد می‌تواند به اطلاع خانواده برسد که این افشا، جرم نیست. این حقوقدان تاکید کرد: در صورت رضایت بیمار نیز پزشک می‌تواند اسرار را در اختیار افراد دیگر قرار دهد و در این مورد رازداری اصل مطلق محسوب نمی‌شود. حبیب‌زاده درباره نحوه رسیدگی کیفری به موضوع افشای اسرار نیز توضیح داد: دادسرا مرجع کشف و تحقیق جرایم است و در مرحله اول، بازپرس باید پرونده را پیگیری کند.

بازخوانی فتاوای حضرت آیت ا... خامنه‌ای درباره تعامل با سایر مذاهب اسلامی

وحدت اسلامی؛ حکم شرعی و فراتر از مصلحت سیاسی

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

«مسلمان‌ها باید با هر عامل مخالفِ وحدت و ضد وحدت مقابله بکنند؛ این یک تکلیف بزرگ برای همه ما است؛ هم شیعه باید این را قبول کند، هم سنّی باید قبول کند، هم شعبه‌های گوناگونی که در میان شیعیان و در میان سنّی‌ها وجود دارد این را باید بپذیرند.» پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت ا... العظمی خامنه‌ای (KHAMENEI.IR)، نزدیک به دو سال قبل، همزمان با هفته وحدت طی فراخوانی اعلام کرده بود به پرسش‌های شرعی مخاطبان که درباره احکام ارتباط بین صاحبان مذاهب و ادیان است، پاسخ می‌دهد. در همان زمان، حجت‌الاسلام والمسلمین فلاح‌زاده، عضو دفتر استفتائات حضرت آیت ا... العظمی خامنه‌ای و رئیس مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی، به پرتکرارترین سؤالات مطابق با فتاوای حضرت آیت ا... العظمی خامنه‌ای پاسخ داد که به مناسبت هفته وحدت، برخی از این سوال‌ها و پاسخ‌ها بازنشر می‌شود.

تبرّی به چه معناست و نسبت بین تبرّی و لعن چیست؟

«تولّی و تبرّی» گاهی جزو اصول دین شمرده می‌شود و گاهی هم جزو فروع دین و البته هر دو هم درست است؛ یعنی یک جنبه اعتقادی دارد و یک جنبه عملی. از حیث اعتقادی تولّی یعنی ما به ولایت اولیای الهی، پیامبران خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام معتقد باشیم و همچنین علاقه نسبت به آنها و پیروانشان داشته باشیم. تولّی یک جنبه عملی نیز دارد که اطاعت از این اولیای الهی است. تبرّی نقطه مقابل تولّی است؛ یعنی دشمنی نسبت به دشمنان خدا و دشمنان اولیای خدا. مکلفین باید به این دو اصل هم از نظر اعتقادیِ معتقد باشند و هم در عمل به آن متمسک شوند و لزوماً این گونه نیست که کسی که می‌خواهد تبرّی بجوید با لعن و ناسزا و بدگویی همراه باشد. بسیاری از مسلمانان از صدر اسلام تاکنون و حتی در عصر حاضر -نمونه‌اش حضرت امام (ره) و حضرت آیت ا... خامنه‌ای- واقعاً اهل تولّی و تبرّی هستند، ولی اهل سب و لعن نیستند. بنابراین انسان می‌تواند تبرّی داشته باشد، اما توهین و فحاشی و لعن به مقدسات دیگران نکند. حضرت آقا توهین به مقدسات دیگران را جایز ندانسته‌اند، بلکه حرام می‌دانند.

آیا حکم وحدت منافاتی با تبرّی ندارد؟ آیا اگر شخصی مقلد حضرت آیت ا... خامنه‌ای نباشد، بر او واجب است که از دستورات ایشان مبنی بر عدم لعن تبعیت کند؟

قطعاً وحدت مسلمین با تبرّی منافات ندارد. یعنی افراد می‌توانند با دشمنان خدا و دشمنان اولیای خدا دشمن باشند و با آنها که در حال جنگ با مسلمانان هستند مقابله کنند، و در عین حال با دیگر مسلمان‌ها وحدت نیز داشته باشند. پس وحدت مسلمانان با تبرّی از دشمنان خدا و دشمنان اولیای خدا هیچ منافاتی ندارد. به عنوان نمونه امام خمینی رضوان ا... تعالی علیه هم ولایی بودند، هم متبرّی از دشمنان خدا و دشمنان اولیای خدا و در عین حال به مقدسات سایر مسلمانان و اشخاص مورد احترام آنها لعن و توهین هم نمی‌کردند. خیلی از بزرگان بودند که مردم را به وحدت دعوت کردند و از دشمنان خدا هم تبرّی جستند. وحدت بین مسلمین و پرهیز از تفرقه یک امر واجب است و ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسلمانان که به نفع دشمنان و به نفع استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی است، حرام است. اما اینکه اگر مقلد حضرت آقا هم نباشند، باید مراعات این مسئله را بکنند؟ بله دیگران هم باید مراعات این مسئله را بکنند. در این مسئله فرقی ندارد که افراد مقلد حضرت آقا باشند یا مقلد سایر مراجع. چرا که به فتوای همه مراجع معظم تقلید، انجام کارهایی که بر ما واجب نیست -ولو مستحب هم باشند- اگر انجام آن کارها موجب سوء استفاده دشمنان علیه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام شود تا به پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام توهین کنند یا موجب اختلاف بین مسلمانان باشد، جایز نیست.

دیدار شرکت کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم با رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۲

نظر حضرت آیت ا... خامنه‌ای درباره برگزاری مراسم لعن چیست؟

حضرت آقا بارها فرموده‌اند که به مقدسات سایر مذاهب توهین نکنید. بنابراین باید از این کار پرهیز کرد و نکته جالب توجه اینجاست که برخی می‌گویند در مجالس خصوصی اشکالی ندارد که لعن بگوییم؛ در حالی که حضرت آقا قید نزدند که مجلس عمومی باشد یا خصوصی، بلکه به طور کلی فرموده‌اند که به مقدسات سایر مسلمانان یعنی سایر فِرَق اسلامی توهین نکنید. حضرت آقا در جایی فرموده‌اند: «آن شیعه‌ای هم که از روی نادانی و غفلت، یا گاهی از روی غرض - این را هم سراغ داریم و افرادی را هم از بین شیعیان می‌شناسیم که فقط مسئله‌شان مسئله نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند - به مقدسات اهل سنت اهانت می‌کند، عرض می‌کنم: رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است.» بنابراین توهین به مقدسات سایر مذاهب اسلامی به نظر حضرت آقا حرام شرعی است.

آیا حرام بودن بی‌احترامی به اعتقادات مذاهب شامل غیر اهل سنت هم می‌شود؟

به هر حال مذاهبی هستند که دارند با مسالمت زندگی می‌کنند و آنها هم به مقدسات ما معمولاً توهین نمی‌کنند. توهین به آنها هم اگر موجب تفرقه و فتنه‌انگیزی در جامعه شود قطعاً حرام است.

تکلیف ما در برخورد با شیعیانی که اصرار به تفرقه‌افکنی میان مسلمانان دارند، چیست؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر آنها واجب است؟

نظر حضرت آقا این است که تفرقه بین مسلمانان کار حرامی است و توهین به مقدسات سایر مسلمین هم حرام است. فعل حرام منکر است و نهی از منکر هم واجب است؛ اما با وجود شرایط و مراعات مراتب.

برخی می‌گویند شعار برادری و برابری بین شیعه و سنی فقط جنبه سیاسی دارد و حکم شرعی نیست. آیا این مطلب درست است؟

خیر، این مطلب درست نیست. وحدت مسلمین حکم شرعی است. تعبیر حضرت آقا این است که «شعار وحدت مسلمین را یک مسئله استراتژیک می‌دانم_یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباط داشته باشیم_ مسلمانان، به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم کنند و از بین ببرند چون در خدمت دشمنان است.» و خدمت به دشمنان هم حرام است.

با توجه به اینکه برخی با ادعای بحث علمی تفرقه ایجاد می‌کنند، توضیح دهید که آیا اصلاً باید بر سر مباحث اختلافی بحث علمی صورت بگیرد؟ این بحث علمی چه فوایدی دارد و باید چگونه باشد و باید توسط چه افرادی صورت بگیرد؟

درباره بحث علمی، اتفاقاً حضرت آقا موافق هستند. حضرت آقا موافقند که در مباحثی که اختلاف نظر علمی بین فِرَق مسلمین، بین شیعیان و اهل سنت وجود دارد، صاحبنظران در نشست‌های علمی محترمانه بنشینند، سخن یکدیگر را نقد کنند، اما عالمانه، در مجامع علمی، بین اهل فن، شیوه‌اش هم همان جدال احسن باشد که به تعبیر قرآن آن گونه بحث علمی کردن موجب اختلاف و تفرقه و فتنه‌انگیزی بین مسلمان‌ها نباشد، هیچ اشکالی ندارد. آن چیزی که اشکال دارد و حرام است ایجاد تفرقه بین مسلمانان و تفرقه‌انگیزی بین جوامع اسلامی است. حضرت آقا درباره بحث علمی فرموده‌اند: «اگر می‌خواهند بحث مذهبی بکنند، هیچ اشکالی ندارد، من بحث مذهبی را هم قبول دارم، اگر دوست دارند بحث علمی مذهبی بین علما و بین صاحبان فن بکنند، بنشینند این کار را بکنند، منتها نه در منظر و مرئای مردم، بلکه در جلسات علمی بنشینند با هم بحث علمی کنند.» به هر حال اینها بحث‌های علمی و فنی است که باید در جوامع خصوصی علمی صورت بگیرد تا موجب تفرقه نشود.

آیا در مواقعی که ما به عنوان مسافر در حال عبور از شهرهای سنی‌مذهب هستیم، صحیح است که نماز را در مساجد اهل سنت و به صورت جماعت اقامه کنیم؟ آیا باید حتماً از مُهر استفاده کنیم یا خیر؟

شرکت در نماز جماعت اهل سنت اشکالی ندارد. زمانی که شما از جایی عبور می‌کنید و وارد مسجد شدید و دیدید نماز جماعت اهل سنت برپاست، طبق نظر حضرت آقا می‌توانید اقتدا کنید، مانند مکه و مدینه در مسجدالحرام و مسجدالنبی. حضرت آقا فرموده‌اند که این مسئله اختصاص به آن دو مسجد ندارد و استفاده از مُهر هم اگر محذوری ندارد و مشکلی پیش نمی‌آید اشکال ندارد. یا اگر مُهر در آنجا نیست، می‌توان بر جایی که سنگفرش هست و چیزی که سجده بر آن صحیح است، اگر محذور و مشکلی نیست سجده کرد. اما اگر جایی هست که به هر حال یا مُهر وجود ندارد، یا ممکن است اگر شما از آن استفاده کنید، دیگران متعرض شما بشوند، یا با همین کار شما علیه مقدسات مذهب شیعه و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام توهین کنند، در این حالت از مُهر استفاده نکنید.

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه حقوقی روزنامه خراسان، پاسخگوی پرسش‌های حقوقی شما هستیم. شما می‌توانید پرسش‌های خود را در تمام زمینه‌های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتماً کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: ۹ سال قبل، خانه‌ای را با وکالت بلاعزل، به نام همسرم خریداری کردم. حال نگرانم که در صورت فوت نابهنگام او، فرزندانم مرا از خانه بیرون کنند. آیا راهی برای جلوگیری از این مسئله وجود دارد؟

پاسخ: اموال هر فرد پس از فوت وی به وارثانش به ارث می‌رسد. منزل همسر شما نیز از این قاعده مستثنا نیست. یعنی شما و هریک از وارثان می‌توانید به تنهایی یا به اتفاق، به استناد مواد ۳۰۸ و ۳۱۱ قانون مدنی، دعوای خلع ید به همراه اجرت المثل ایام تصرف را علیه فردی که ملک را بدون رضایت سایرین در تصرف خود دارد، در دادگاه حقوقی مطرح و متصرف را تا تعیین تکلیف نهایی (تا زمان فروش ملک یا تقسیم آن) مجبور به خلع ید و رفع تصرف از ملک کنید. همسر شما می‌تواند با تنظیم سند رسمی «صلح عمری»، مالکیت خانه را به شما منتقل کند، با این شرط که تا زمانی که ایشان در قید حیات هستند خانه در تصرف و در اختیارشان باشد و بتوانند از آن استفاده کنند. همچنین برای اطمینان خاطر بیشتر می‌توانند در سند مذکور شرط کنند که شما تا زمان حیات ایشان امکان فروش ملک را نداشته باشید و نیز می‌توانند برای خود حق فسخ قرار دهند که اگر زمانی از صلح منصرف شدند یا خود تصمیم به فروش ملک گرفتند یا مثلاً قصد ترهین ملک (اخذ وام) یا اعمال مالکانه‌ای از این قبیل را داشتند، بتوانند با انصراف از صلح عمری، شرایط را با اعمال حق فسخ به حالت قبل بازگردانند. به عقد صلحی که در آن، برای مالک اول (صلح کننده یا مصالح) حق استفاده از ملک تا زمان حیات خود یا دیگری در نظر گرفته شود، به اصطلاح «صلح عمری» می‌گویند. ماده ۴۱ قانون مدنی بیان می‌کند: «عمری حقی انتفاعی است که به موجب عقدی از طرف مالک برای شخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد.» به عبارت دیگر، حقی که مالک ملک برای فردی دیگر به منظور استفاده از ملک تا زمان حیات آن دیگری ایجاد کند، «حق عمری» نامیده می‌شود. بنابراین اگر با صلح عمری مالی از اموال و دارایی مالک اول به دیگری مثلاً به همسر وی منتقل شود، پس از فوت صلح کننده (مصالح)، سایر وراث (فرزندان شما) از آن ارث نمی‌برند چرا که مال صلح شده قبلاً به متصالح (مالک جدید یا ذی‌نفع و در اینجا شما) منتقل شده و جزو دارایی وی است. به طور معمول، از صلح عمری در مواردی استفاده می‌شود که فردی تمایل داشته باشد تمام یا بخشی از اموالش پس از فوت وی به واسطه تعلقات عاطفی یا روابط ویژه با فردی دیگر در اختیار و تملک آن دیگری قرار گیرد و از سوی دیگر، قصد دارد تا زمان فوت، اختیار و تسلطش بر اموال را از دست ندهد. این راه‌حل در واقع ملک را از مالکیت همسر شما خارج می‌کند لیکن در عمل، اداره آن کماکان تا حدود زیادی در اختیار ایشان خواهد بود.

پرسش: ۲۵ سال قبل، پدر و مادرم از هم جدا شدند و من زندگی با مادرم را انتخاب کردم. پدرم به دنبال زندگی خودش رفت و دوباره ازدواج کرد و صاحب فرزند شد. به تازگی، خبر فوت پدرم به ما رسید و معلوم شد ۲ سال قبل فوت کرده و اموالی هم داشته است. برای گرفتن حقم پیگیری‌هایی کردم، اما اموال را تقسیم کرده بودند و گفتند ما حصر وراثت کردیم و آگهی دادیم و دیگر تو حقی نداری. آیا می‌توانند چنین ادعایی داشته باشند؟ چگونه می‌توانم حقم را بگیرم؟

پاسخ: در صورتی که متقاضیان گواهی انحصار وراثت و شاهدان آنها از اینکه شما نیز جزو ورثه هستید اطلاع داشته اند و به رغم این موضوع با سوءنیت نام شما را در درخواست خود ذکر نکرده اند، می‌توانید علیه متقاضیان به اتهام کلاهبرداری و علیه شهود به اتهام شهادت دروغ شکایت کنید. در صورتی که در نام نبردن از شما سوءنیتی نداشته اند می‌توانید اصلاح گواهی انحصار وراثت قبلی را از دادگاه درخواست کنید. پس از اصلاح گواهی انحصار وراثت، در دادگاه حقوقی علیه ورثه ای که اموالی بیش از سهم خود برده اند اقامه دعوا کنید. به هر صورت اگر در واقع از وارثان متوفی باشید، می‌توانید این امر را در دادگاه اثبات و از اموال متوفی به اندازه سهم الارث خود مطالبه کنید. ماده ۹ قانون تصدیق انحصار وراثت، مصوب ۱۳۰۹، مجازات گرفتن گواهی حصر وراثت غیر قانونی (خلاف واقع) را این چنین بیان کرده است: «هرگاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم به عدم وراثت خود تحصیل تصدیق وراثت نموده یا با علم به وجود وارثی غیر از خود، تحصیل تصدیق برخلاف حقیقت کرده است کلاهبردار محسوب و علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم مقرر است، محکوم خواهد شد.» کلاهبردار علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به مجازات حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود. ماده ۱۰ قانون تصدیق وراثت نیز در مورد شهادت دروغ بیان می‌کند: «هر شاهدی که در موضوع تحصیل تصدیق وراثت، برخلاف حقیقت شهادت دهد برای شهادت دروغ تعقیب و به مجازاتی که برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد.» قانونگذار برای کسی که به دروغ شهادت دهد مجازات حبس و جزای نقدی در نظر گرفته است. به حکم ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی، «هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد، به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

محکومیت‌های مالی

خانه بزرگ بدهکار، جزو مستثنیات دین نیست

آیا کسی که در پرونده مالی محکوم شده و حکم اعسار هم گرفته و خانه‌ای بزرگ دارد که در آن ساکن است، دادگاه تحت عنوان مستثنیات دین، حکم به فروش خانه او نخواهد داد؟ کارشناسان وکیل آنلاین به این پرسش پاسخ داده‌اند. به گزارش خبرگزاری میزان، پرسش مخاطب وکیل آنلاین درباره حکم به فروش خانه فردی که در پرونده مالی محکوم شده و حکم اعسار گرفته، این است:

با سلام. فردی در پرونده‌ای مالی محکوم به پرداخت مبلغی شده و اعسار گرفته است. وی خانه‌ای بزرگ دارد که مدعی است جزو مستثنیات دین می‌باشد و دادگاه نمی‌تواند حکم به فروش آن بدهد. آیا حرف او درست است؟

■ **پاسخ کارشناس**

مستثنیات دین بر اساس قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به منزل مسکونی اطلاق می‌شود که عرفاً در شان محکوم علیه در حالت اعسار او باشد. به عبارت دیگر، یکی از ابداعات بسیار مفید قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، لحاظ کردن مستثنیات دین با توجه به شان عرفی و جایگاه محکوم در زمان اعسار وی می‌باشد، نه با شان عرفی یا وضعیت وی در حالت پیش از اعسارش. پیش از این و مطابق بند یک ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی، مسکن مورد نیاز محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شئون عرفی محکوم در زمره مستثنیات دین قرار می‌گرفت. به عبارتی دیگر، شان عرفی محکوم یا وضعیت مالی سابق وی قبل از اعسار در لحاظ کردن و تشخیص مستثنیات دین موثر بود.

به طور مثال فردی که متمول بوده، محکومیت مالی پیدا می‌کند و ناتوانی وی از پرداخت محکوم‌به نیز محرز می‌شود، متعاقباً اعسار وی نیز احراز می‌شود و او که یک خانه پانصد متری بیشتر ندارد، مدعی می‌شود که خانه مشمول مستثنیات دین می‌باشد، مطابق ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه در تشخیص اینکه خانه مشمول مستثنیات دین می‌شود یا خیر، به شان محکوم در زمان قبل از اعسار توجه می‌کرد؛ پس چنانچه محکوم پیش از اعسار متمول بوده باشد، احتمال اینکه آن خانه به فروش نرسد، وجود داشت. این در حالی است که مطابق بند «الف» ماده ۲۴ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، قرار گرفتن منزل مسکونی

در زمره مستثنیات دین با توجه به شان محکوم علیه در حالت اعسار او می‌باشد. به عبارت دیگر، دادگاه در تشخیص مستثنیات دین به شان عرفی یا وضعیت سابق محکوم توجهی نمی‌کند؛ بلکه به وضعیت و شان وی در حالت اعسار توجه می‌کند.

بنابراین در همان مثال، منزل پانصد متری محکومی که پیشتر متمول بوده، به فروش خواهد رسید و متناسب با شان فعلی اش منزلی برای وی در نظر گرفته خواهد شد. به عبارتی دیگر، شان عرفی وی در فروش خانه تاثیر گذار نخواهد بود، بلکه ملاک، شان وی در حالت اعسار می‌باشد.

نکته حقوقی

«وکالتِ بلاعزل» چگونه برطرف می‌شود؟

اگر کسی به فرد دیگری در مورد موضوع خاصی وکالت بلاعزل بدهد، چگونه می‌تواند آن را پس بگیرد؟ کارشناسان وکیل آنلاین به این پرسش پاسخ داده‌اند. به گزارش خبرگزاری میزان، پرسش مخاطب وکیل آنلاین درباره برطرف شدن وکالت بلاعزل این است:

با سلام و عرض ادب، بنده یک واحد مرغداری شراکتی با پسر عمویم دارم. به دلیل مشغله کاری به پسر عمویم وکالت بلاعزل دادم تا پروانه تاسیس و بهره برداری مرغداری را به نام خودش بزند. حال متوجه شده‌ام که نامبرده قصد دارد با گذاشتن پروانه مرغداری در بانک وام هنگفتی بگیرد و اقساط آن را ندهد تا مرغداری را به نفع بانک به مزایده و فروش بگذارند. خواهشمندم کمکم کنید. چطور می‌توانم وکالت بلاعزل را پس بگیرم و مرغداری به اسم هر دو نفرمان باشد؟

■ **پاسخ کارشناسان**

پرسش، مبهم و کلی طرح شده است؛ اما درباره راه‌های برطرف شدن وکالتِ بلاعزل باید گفت؛ فوت یکی از طرفین وکالت و انجام موضوع وکالت توسط موکل از جمله این راه‌هاست. همچنین ضم وکیل (اضافه کردن وکیل دیگر) راهی است که می‌توان به وسیله آن محدودیت‌هایی برای وکیل بلاعزل ایجاد کرد.

مجتمع سنگ آهن سنگان
(فراخوان تجدید مناقصه عمومی) (نوبت اول)

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، مجتمع سنگ آهن سنگان (واقع در ۲۸۰ کیلومتری جنوب شرقی مشهد و ۳۶ کیلومتری شهرستان خواف) درنظر دارد مجدداً مناقصه به شماره ۱۴۶۴۹۱۰ را برگزار نماید لذا کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی واجد شرایط می‌توانند با درنظر داشتن شرایط و موارد مندرج در اسناد مناقصه نسبت به خرید اسناد اقدام نمایند.

۱- شرح و نوع مناقصه:

ردیف	شرح	نوع مناقصه
۱	خردایش، فرآوری و دانه‌بندی سنگ آهن در کارگاه سنگ شکن شماره ۵ مجتمع به میزان ۱/۸۰۰/۰۰۰ تن محصول جهت سه‌سال	عمومی دومرحله‌ای

۲- زمان فروش اسناد:
اسناد مناقصه همه‌روزه از تاریخ ۹۵/۰۹/۲۳ لغایت ۹۵/۱۰/۰۲ به جز ایام تعطیل در ساعات اداری به فروش می‌رسد.
۳- محل فروش اسناد:
تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان هویزه شرقی، شماره ۳۳، مجتمع سنگ آهن سنگان تلفن: ۸۱۴۹۲۱۶۰-۰۲۱
مشهد، خیابان کوهسنگی، بین کوهسنگی ۱۹ و ۲۱، پلاک ۳۷۷، مجتمع سنگ آهن سنگان تلفن: ۳۸۴۲۷۰۰۸-۰۵۱
متقاضیان خرید جهت هرمناقصه می‌بایست در مهلت مقرر با در دست داشتن معرفی‌نامه و فیش واریزی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۰۹۰۹۶۷۰۹۰۰۹ بانک ملی به نام سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (مجتمع سنگ آهن سنگان) به آدرس‌های فوق مراجعه نمایند.
۴- مهلت ارسال پیشنهاد: آخرین مهلت ارسال پیشنهادات: ساعت ۱۲ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۶ می‌باشد و پیشنهادهای بعد از ساعت و تاریخ مقرر و اعلامی قابل دریافت و پذیرش نمی‌باشد.
۵- زمان و مکان بازگشایی: پس از انجام مراحل ارزیابی متعاقبا اعلام می‌گردد.
مجتمع سنگ آهن سنگان
۹۵۲۷۹۸۸۹/ آ

جناب آقای مهندس توتونچی
ریاست محترم سازمان نظام مهندسی خراسان رضوی
انتخاب شایسته جنابعالی که نشان از تعهد، اخلاص، لیاقت شما و بیانگر سوابق ارزشمند جنابعالی است را تبریک عرض نموده و از پروردگار یکتا توفیقات روز افزون شما را مسئلت داریم. انشا... در پناه الطاف الهی و در کنار دیگر منتخبین شایسته هیئت رئیسه سازمان شاهد اعتلای جایگاه مهندسی در استان باشیم.
انجمن صنفی کارفرمایی شرکتهای طراح و ناظر ساختمانی مشهد
۹۵۲۷۸۴۷۱/ ق

جناب آقای حاج عبداله قدمیاری
انتخاب شایسته جنابعالی را به عنوان
ریاست هیات مدیره اتحادیه تعاونیهای آهنکاران و پروفیل سازی ایران
به شما تبریک عرض می نماییم .
اتحادیه پروفیل مازندران
۹۵۲۷۹۱۴۰/ ش

جناب آقای مهندس محمدرضا صادقیان
همسر و داماد عزیزمان
انتصاب شایسته حضرتعالی به سمت **مدیر کل فروشگاههای زنجیره ای پارسیس استان خراسان** که نشان ازتعهد، اخلاص و لیاقت شما و بیانگر سوابق ارزشمند جنابعالی است را تبریک عرض نموده و توفیقات روز افزون شما را مسئلت داریم
آزاده- پدر و مادر
۹۵۲۷۸۸۲۰/ م

سرکار خانم دکتر زهرا ناجی عظیمی
عضو محترم هیات علمی گروه مدیریت
ارتقاء جنابعالی را به مقام شامخ دانشیاری تبریک عرض نموده، توفیق روزافزون شما را آرزومندیم
گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد
۹۵۲۷۸۲۸۳/ ق

۹۵۲۷۹۵۵۳/ م
بازار محله
ویژه منطقه‌ای نیازهای برتر تمام صاحبان شغل شهر مشهد
ضمیمه رایگان امروز روزنامه خراسان
ویژه منطقه سه :
سجاد، فرامرز عباسی، بولوار فردوسی، جانباز، خیام، فلسطین، کلاهدوز، راهنمایی، ملک آباد، شهید صادقی، دستغیب
مشهد بلوار سازمان آب، نبش شهید صادقی ۱۸، پلاک ۱۶۲
پذیرش آگهی در ویژه نامه : ۳۷ ۶۳۵۹ ۱۱
مدیریت: فیروز خسروانی ۰۹۱۵۱۱۱۸۰۰۰

CMYK